

تاریخ

احتمالی ایران در زندگی اسناد

در گفت وگو با دکتر منصوره اتحادیه
استاد دانشگاه تهران
عکاس: اعظم لاریجانی

در

شهرستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

۱۳۴۵ در دانشکده‌ی حقوق «مرکز مطالعات عالی بین‌المللی» به کار تحقیق مشغول شدم. در سال ۱۳۵۰، در گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با سمت مربی مشغول تدریس شدم. رئیس گروه وقت، مرحوم عباس زریاب خویی بود. با تشویق ایشان، برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه ادینبورگ برگشتم و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ درجه‌ی دکترای تاریخ شدم.

● دکتر صالحی: خانم دکتر اتحادیه، «نشر تاریخ» در کارنامه‌ی علمی شما جایگاه خیلی مهم و برجسته‌ای دارد. ایده‌ی انتشار «نشر تاریخ» از کجا به ذهنتان خطور کرد و چه زمانی و با چه کسانی آن را بنا گذاشتید؟ لطفاً مسیری را که تا به حال برای انتشار این نشریه طی کرده‌اید نیز به اختصار توضیح دهید.

○ از مدت‌ها قبل، مقدار زیادی اسناد مهم تاریخی در اختیار خانواده‌ی شوهرم بود؛ مثل اسناد خاطرات حسین قلی خان

دکتر منصور اتحادیه بیش از ۳۰ سال است که در گروه تاریخ دانشگاه تهران به تدریس اشتغال دارد و تألیف چندین اثر ارزنده، تأسیس «نشر تاریخ ایران» و اخیراً نگارش یک رمان تاریخی، به او چهره‌ای ویژه داده است. از خانم دکتر برای یک گفت‌وگو دعوت کردیم و پذیرفت. شما را به مطالعه‌ی این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

● جوادیان: خانم دکتر اتحادیه، ضمن تشکر از این که دعوت ما را بپذیرفتید، لطفاً شمه‌ای از زندگی خودتان را برای خوانندگان بیان فرمایید.

○ در سال ۱۳۱۲ در تهران متولد شدم. دوره‌های ابتدایی و راهنمایی را در همین شهر و دوره‌ی متوسطه را در انگلستان گذراندم. سپس به دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند رفتم و در سال ۱۳۳۵، در رشته تاریخ با درجه‌ی فوق لیسانس فارغ‌التحصیل شدم. در سال

۱۳۸۴ - شماره ۱۸ - دوره ششم

نظام السطنه که معمولاً در کتاب‌ها با رضاقلی خان که برادرزاده‌اش بود، اشتباه گرفته می‌شد. در ارتباط با این اسناد، با عموزاده‌ی شوهرم، مرحوم آقای دکتر رضاقلی نظام مافی درباره‌ی چاپ این اسناد صحبت کردیم و ایشان پیشنهاد راه‌اندازی یک مؤسسه‌ی انتشاراتی در این زمینه را دادند. آن زمان با آقای سیرویس سعدوندیان کارهایی را شروع کرده بودیم. در سال ۱۳۶۱ نیز، با آقای دکتر رضاقلی مافی، نشر تاریخ را پی‌ریزی کردیم. واقعاً یک برنامه‌ی از قبل طرح‌ریزی شده، نبود. در حال حاضر همچنان مشغول به کار هستیم. از آن‌جا که کتاب‌ها کاملاً تخصصی و تاریخی هستند، همیشه با مشکل پخش مواجه بوده‌ایم. به هر حال، کتاب‌های تخصصی جای خودشان را دارند و به نظر، نشر تاریخ موفق



● دکتر صالحی: غیر از این‌ها، گویا کتابی هم راجع به نامه‌هایی که به روزنامه‌ها ارسال شده است، در دست انتشار دارید. ○ بله، آن کار هم با آقای اسماعیل شمس در حال انجام شدن است. طرح ما درباره‌ی نامه‌هایی است که قبل از انقلاب مشروطه و طی انقلاب، از خارج به روزنامه‌هایی مثل «حیل‌المتین» و «ایران‌نو» فرستاده می‌شدند و حاوی نکات جالبی هستند؛ به خصوص راجع به تجار. ● جوادیان: خانم دکتر، لطفاً نظرتان را راجع به نحوه‌ی آموزش تاریخ، به ویژه در مقاطعی که دانش‌آموزان حضور دارند، بفرمایید.

○ چرا این سؤال را می‌کنید؟ فکر می‌کنید تأثیری دارد؟

● جوادیان: خب، مخاطبان ما در این مجله، در درجه‌ی اول دبیران تاریخ هستند. ما از طریق این گفت‌وگو سعی داریم، تجربه‌های استادان پیشکسوت را جمع‌آوری و به دیگران منتقل کنیم. ○ برای ارتقای سطح اطلاعات تاریخی، مهم است که دانش‌آموزان بدانند، «برای چه باید تاریخ بخوانند». تا آن‌جا که یاد می‌آید، در دوره‌ی ما، و حتی وقتی بچه‌هایم تاریخ می‌خواندند، درس تاریخ علم مرده‌ای بود، راجع به مردگان و از پادشاهان، عظمتشان و جنگ‌هایشان صحبت می‌شد، ولی ما اهمیت آن را نمی‌فهمیدیم. در صورتی که مثلاً، درس‌هایی مثل شیمی و ریاضی این‌طور نبودند و خیلی راحت تر فایده‌آنها درک می‌شد. دانش‌آموز درس تاریخ نمی‌داند که چرا باید این درس سخت را بخواند، در حالی که به نظر من علم تاریخی نه تنها مهم، که مهم‌ترین درس است و دانش‌آموز باید این موضوع را بفهمد.

● جوادیان: چرا مهم است؟

○ اولاً تاریخ‌شناختی به دانش‌آموز می‌دهد از خودش

عمل کرده است؛ مخصوصاً که معتقدم اگر این اسناد چاپ نمی‌شدند، شاید از بین می‌رفتند و یا کسی از آن‌ها خبردار نمی‌شد.

● دکتر صالحی: تا آن‌جا که اطلاع داریم، در طول کار پاره‌ای اسناد شخصی و نسخه‌های خصوصی هم از سوی محققان برای انتشار در نشر تاریخ در اختیارشان قرار گرفت. این باعث شده است که بتوانید، منابع دست‌اولی که عمدتاً در کتابخانه‌های عمومی نبوده و در آرشیوها و بایگانی‌های خصوصی نگهداری می‌شده‌اند و امکان دسترسی دیگران به آن محال بوده است را منتشر کنید. این کار ارزشمندی است.

○ بله، پیش آمده است که افرادی، اسنادی در خانواده خود داشته‌اند که فکر می‌کرده‌اند ارزش ندارد، ولی بعد از چاپ اسناد خانواده‌ی خود، آن‌ها را برای چاپ در اختیارم قرار داده‌اند. خانمی حدود یکصد نامه از دو نفر از اقوامش داشت از عصر ناصری که بیانگر زندگی روزمره مردم در آن زمان بودند و اهمیت بسیار داشتند. آن‌ها را در اختیارم قرار دادند و امیدواریم آن‌ها را به صورت مقاله گزارش و کتاب به چاپ برسانیم. یا آقای بهمن بیانی، کتابچه‌ی سیاقی پیدا کرده‌اند، مربوط به پیشکش‌هایی که به مظفرالدین شاه اعطا شده است. البته نه پیشکش‌های کلان حکومتی، بلکه مبالغ نسبتاً جزئی، مثل نازشست موقع شکار، یا پیشکش‌هایی که رجال در مهمانی‌هایی که مظفرالدین شاه به آن‌ها دعوت می‌شد، می‌پرداختند؛ مبالغ نسبتاً اندکی مثل ۴۰ یا ۵۰ تومان جمع‌آوری می‌کردند و به شاه می‌دادند. مثلاً در یک مهمانی هفت هزار تومان برای شاه جمع می‌شد، او هم این مبلغ را به خرج حرم، انعام، خرج ساختمان و یا رفتن به فرنگ و یا مصرف جیب خودش اختصاص می‌داد. این‌گونه اطلاعات است که تاریخ را غنی و پربار می‌کند و خیلی ارزش دارد.



گذشته اش، خانواده اش و پدرانش که در گذشته های دور زندگی می کرده اند. این اطلاعات می تواند بر علاقه اش به آب و خاک کشورش بیفزاید. در واقع، تاریخ انسان ساز است و در مورد انسان هاست. اگر بخواهیم دانش آموزان بفهمند ایرانی هستند و ایرانیان چه کسانی بوده اند، باید از طریق تاریخ به آن ها فهماند.

امروزه، یک برنامه ی کلی برای درس تاریخ هست و همه ی دانش آموزان آن را می خوانند، در حالی که شاید بد نبود قسمتی از دروسشان به استان های کشور اختصاص داشت و دانش آموزان می توانستند روی مسائل، دیدنی ها و جلوه های آثار باستانی و تاریخی استان خود متمرکز شوند. هم آموزش ببینند، و هم به آب و خاکشان علاقه مند شوند. مثلاً به خاطر دارم، ساختمان سلطانیه که نزدیک زنجان است، ۵ سال پیش بنای متروکه، خراب و کثیفی بود. چرا بچه های مدرسه های آن منطقه را علاقه مند نمی کنیم که خودشان از آن جا مراقبت کنند تا هم اهمیتش را بیش تر درک کنند و هم از آن محل لذت ببرند؟

به نظر من، باید برای بچه های هر استانی یک برنامه ی اختصاصی وجود داشته باشد. مثلاً دانش آموزانی که در بوشهر زندگی می کنند، یا نوحه ی ماهیگیری، قایقرانی و کشتیرانی و شرایط بنادر در گذشته، آشنا شوند. تاریخ را باید زنده کنیم و آن را با زندگی روزمره ارتباط دهیم. امروزه با فیلم و ویدئو و اینترنت می توانیم اطلاعات تاریخی بسیار وسیعی را آموزش دهیم و بر علاقه ی دانش آموزان به این درس بیفزاییم.

● جوادیان: شما هنگام تدریس، چه زمانی احساس می کردید که بچه ها جذب مطالب تاریخی شده اند؟
○ من فکر می کنم، هر جا که تاریخ با زندگی روزمره ربط می یابد، جاذبه هم پیدا می کند.

یادم هست، در تب و تاب انقلاب، مخصوصاً بعد از انقلاب فرهنگی که دانشگاه باز شد، شوری در بین دانشجویان بود؛ عشقی برای این که بفهمند، چرا این طور شد و چرا انقلاب اتفاق افتاد؟ یک بار عمر کلاس دانشجویان خیلی شعار می دادند. به آن ها گفتم، این ها درس نیستند، این ها شعارند. گفتند ما نمی توانیم شعار ندهیم، ما انقلاب کردیم. این پاسخشان خیلی بی ریا بود. ببینید، این جا تاریخ جاذبه پیدا می کند که به زندگی روزمره مرتبط شده است. فرقی نمی کند که شما راجع به داریوش کبیر درس بدهید یا سامانیان یا زندیه. فکر می کنم اگر معلم بودم، وقتی وارد کلاس می شدم، اول یک ربع راجع به مسائل روز صحبت می کردم و ربطش می دادم به گذشته تا دانش آموزان بفهمند، مسائل امروز با گذشته مرتبط هستند. به هر حال به صورتی باید از امروز به گذشته رفت تا دانش آموز اهمیت درس را درک کند.

بارها شده است که از دانشجویانم پرسیده ام، روزنامه

می خوانید؟ گفته اند: نه، پرسیده ام: چرا؟ گفته اند: روزنامه چیزی ندارد. گفته ام: چگونه دانشجوی تاریخی هستید که روزنامه نمی خوانید؟! همان چیز نداشتن هم تاریخ است. بعد پرسیده ام: رمان می خوانید؟ گفته اند: نه، در حالی که رمان درباره ی گذشته است و درباره ی زندگی. فقط جنبه ی فنی ندارد. مثلاً اگر دانشجو یا دانش آموزی درباره ی تاریخ ایران می خواند، خوب است که رمان



بالتراک و استاندال را هم کنارش بخواند یا یک فیلم در این زمینه ببیند.
● دکتر صالحی: مطلبی که گفتید، نکته ی بسیار جالبی است. رمان خواندن باعث می شود که ترس دانش آموز از کتاب خواندن از بین برود. رمان هر قدر هم که حجیم باشد، جاذبه دارد و تا تمام نشود، خواننده نمی تواند آن را کنار بگذارد. پس عادت می کند که کتاب حجیم را هم بخواند. از آن طرف هم راه برایش باز می شود و کتاب تاریخ را هم با لذت می خواند.

○ البته اگر رمان تولستوی را بخواند، هم با ناپلئون آشنا می شود و هم مطالبی درباره ی شرایط جنگ و حال و هوای آن زمان آموخته است. خود من، از طریق رمان های الکساندر دوما با تاریخ فرانسه آشنا شدم. شما تعجب می کنید اگر بدانید، سیاستمداران فرانسه چه قدر رمان می خوانند. حتی رمان های الکساندر دوما را می خوانند. رمان جزئی از ادبیات و تاریخ است که به بچه ها اطلاعات می دهد. هم عادت می کنند کتاب بخوانند، و هم به کتاب های تاریخ علاقه پیدا می کنند.

● دکتر عباسی: خانم دکتر آن طور که از آثار شما پیداست، خودتان هم به داستان نویسی گرایش پیدا کرده اید؛ چه در ترجمه و چه در تألیف. در این باره توضیحی بفرمایید.

○ من رمان ترجمه نکرده ام، ولی همیشه مایل بوده ام که رمان بنویسم و خیلی طول کشید تا روزی شروع کردم. مثل این که داخل من بود و بیرون ریخت و یک دنباله هم داشت. ولی در واقع، کار من رمان هم نیست و به این نتیجه رسیده ام که من اصلاً رمان نویس نیستم.

● **جوادیان:** داستان نویسی خودش فنی است و تا کسی با آن آشنا نباشد، نویسنده‌ی موفقی نخواهد شد. روش‌ها و تکنیک‌های خاص خودش را دارد.

○ **خب برای من لذتی داشت؛ یعنی دیگر پاورقی و ارجاعات لازم نداشت.** انسان در زمان، نویسنده‌ای کاملاً آزاد است و می‌تواند به تخیلاتش میدان بدهد، در حالی که در تاریخ باید دقیق بود.

● **دکتر صالحی:** البته یک وقت شما درباره‌ی «چرایی حوادث» می‌نویسید و یک وقت درباره‌ی «چگونگی حوادث». وقتی تاریخ نویسی از منظر چگونگی است، با زمان خیلی سنخیت و اشتراک پیدا می‌کند.

○ **به طور خلاصه و ساده می‌توان چنین گفت:** همان‌طور که متن و روایت تاریخی تا حد زیادی پدیده‌ی تخیلات مورخ است - البته بر اساس اسناد و شواهد همان‌طور هم زمان پدیده‌ی تخیلات نویسنده‌ی زمان است. بنابراین، هر دو دارای این وجه اشتراک هستند. البته بین ادبیات به‌طور کل و تاریخ هم وجه اشتراک بسیار است که داخل آن نمی‌شویم.

● **جوادیان:** خانم دکتر، چه توصیه‌هایی برای معلمان تاریخ دارید که بعد از پایان دوران تحصیلات دانشگاهی، مشغول تدریس تاریخ می‌شوند؟

○ **نکته‌ای را که چندان خوشایند نیست، باید بگویم.** معلمان ما همان جایی که درستان در دانشگاه تمام شد، مطالعه را رها می‌کنند. لاقلاً معلمانی که من با آن‌ها ارتباط داشته‌ام، این‌گونه بوده‌اند. وزارت علوم همان‌طور که برای جراح‌ها و دکترها همیشه دوره‌های بازآموزی می‌گذارد، برای معلمان هم باید بگذارد. ببینید، دائم کتاب جدید نوشته می‌شود و مطالب جدید مطرح می‌شوند. معلمی که مطالعه نداشت، از حرف‌ها و بحث‌های جدید هم اطلاعی ندارد. قبل از انقلاب، آقای افشار هر سال در شهریور ماه، کنفرانس‌هایی تحت عنوان «کنفرانس ایران‌شناسی» برگزار می‌کرد و دبیران زیادی از شهرهای گوناگون می‌آمدند و در آن کاری

ارائه می‌دادند. شاید هم برای ارتقای شغلی‌شان مهم بود. معلمان تاریخ را باید وادار کنند که علمشان را به روز کنند. معلمان باید از این همه مطالب جدید نوشته شده و تحقیق شده مطلع باشند و برای دانش‌آموزان و یا دانشجویان بگویند؛ والا تاریخ همان حالت علم مرده را پیدا می‌کند.

● **جوادیان:** شما از معلمان دوره‌ی متوسطه‌ی خودتان خاطره‌ای دارید؟

○ **من در ایران درس نخوانده‌ام.** یادم هست، معلم تاریخ ما یک ترم، اصلاً تاریخ درس نداد و فقط راجع به روزنامه‌ها صحبت کرد. اوایل ارتباط آن را نمی‌فهمیدم، بعد متوجه شدم که چرا این کار را می‌کرد. امکان دارد که شما راجع به روزنامه یا مطالب دیگر حرف بزنید و در ضمن آن، تاریخ درس بدهید.

● **جوادیان:** شما خودتان عملاً این کار را کرده‌اید؟

○ **خیر.** در دانشگاه ما چهارچوبی داشتیم که باید آن را اجرا می‌کردیم، ولی در کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ اجتماعی کنار کرده‌ام، این سعی را داشته‌ام که محیط کارم را تا حد امکان گسترش بدهم. در ایران، درباره‌ی تاریخ سیاسی بیش تر کار شده است. گو این‌که هنوز هم خیلی کار دارد تا بتوانیم به آن اعتماد کنیم. ولی باید بگویم که تاریخ اجتماعی جاذبه‌اش بیش تر است. وقتی شما درباره‌ی تاریخ اختراعات، زراعت یا کشاورزی صحبت می‌کنید، می‌توانید از تأثیرات این پیشرفت‌ها در زندگی روزمره‌ی مردم بگویید. مثلاً، وقتی نفت به میدان آمد و مردم توانستند شب چراغ روشن کنند، این چه تأثیری در زندگی مردم داشت.

به هر حال، به نظر من تبادل نظر با دبیران تاریخ که با تجربه هستند، مفید است. پیشنهادات آن‌ها برای ایجاد زمینه و علاقه در دانش‌آموزان، مضمّن است. عقیده دارم که در ارتباط با دانشجویان سال اول تاریخ، باید سنجشی صورت بگیرد تا مشخص شود، چرا تاریخ را انتخاب کردند و از این علم چه انتظاری دارند. من نمی‌دانم الان در دبیرستان وضعیت چگونه است و آیا در این مقطع به دانش‌آموزان متدولوژی تحقیق و تحلیل را آموزش می‌دهند، یا خیر. مسأله‌ی دیگری که باید به دانش‌آموز تفهیم شود این است که در

کنار درس تاریخ، کاربرد آن هم اهمیت دارد. دانش‌آموز تاریخ باید بداند که با لیسانس تاریخ می‌تواند کار کند. مثلاً می‌تواند به تحقیقات بپردازد و بر اساس مطالب اسناد و روزنامه‌ها، مقاله و کتاب بنویسد، و یا می‌تواند دبیر دبیرستان شود. بدین ترتیب، شاید دانش‌آموزان از همه جا رانده و مانده به سمت این رشته نیایند و آن‌هایی که تاریخ را انتخاب می‌کنند، هدف داشته باشند و یا با انگیزه‌ی خاص جلو بیایند.

● **دکتر صالحی:** یعنی آموزش و پرورش باید به سمتی برود که دانش‌آموزان دارای رتبه‌ی بالا نیز به سمت تاریخ گرایش پیدا کنند؟





هم در انگلیس چندان محبوب نبود. ایشان به علت بیماری نتوانست کمک چندانی به من بکند، ولی آقای دکتر جان گرنی استاد دانشگاه اکسفورد که از دوستانم بود، به من کمک‌های زیادی کرد.

● **جوادیان:** معمولاً آثار نویسندگان برای آن‌ها مثل بچه‌هایشان هستند و البته خاطرات بعضی از آن‌ها ماندگارتر است. برای شما، کدام اثرتان خاطرات ماندگارتری داشته است؟

○ من کتاب‌های زیادی تصحیح کرده‌ام، نوشته‌ام و یا چاپ کرده‌ام. کتاب «این‌جا طهران است» را بیش‌تر دوست دارم. مطالب آن مربوط به تهران دوره‌ی ناصری تا معاصر است. الان که شما گفتید، نوشته‌های آدم مثل فرزندانش است، من را به یاد زمانی انداخت که این کتاب از زیر چاپ درآمد. آن موقع من شمال بودم، اما برای گرفتن کتاب، حال به خصوصی داشتم. از راه رسیده و نرسیده، کتاب را گرفتم و یک ساعتی آن را مرور کردم. کتاب دیگری دارم تحت عنوان «عبدالحسین میرزا فرمانفرما، زمانه و کارنامه سیاسی». کتاب جدیدی است که با استفاده از اسناد وزارت خارجه و روزنامه‌ها، و با همکاری دو نفر دیگر به چاپ رسانده‌ایم. منابع این کتاب کاملاً ایرانی است. از منابع انگلیسی بارها و بارها استفاده شده است، ولی این کتاب براساس منابع داخلی، بعد دیگری از مسائل را نشان می‌دهد. امیدوارم مورد استقبال قرار بگیرد، چون به نظر خودم کتاب خوبی است.

● **دکتر صالحی:** خانم دکتر اتحادیه، از میان کتاب‌هایی که تصحیح کرده‌اید، یکی را معرفی کنید؛ چون گاهی اوقات، کتاب‌هایی که تصحیح می‌شوند بیش‌تر از کتاب‌های تألیفی زحمت دارند، در حالی که ممکن است چنین تصویری در مورد آن‌ها وجود نداشته باشد.

○ بله همین‌طور است. مثلاً شما تا به حال فکر کرده‌اید که ناصرالدین شاه چه غذایی می‌خورد؟ در این رابطه کتابی هست که آشپز ناصرالدین شاه راجع به غذاهای وی نوشته است. این مطالب ممکن است برای دانش‌آموزان خیلی جالب باشد. حتی شاید یک روز یکی از آن خوراک‌ها را هم بپزیم و یا دانش‌آموزان از طریق تاریخ می‌آموزند که در دوره‌ی صفویه، مردم برنج نمی‌خوردند و فقط پادشاه می‌خورد. ولی در دوره‌ی ناصرالدین شاه وزرا هم برنج می‌خوردند و اکنون برنج غذایی پیش پا افتاده و معمولی است.

برای تدریس تاریخ در دبیرستان‌های انگلیس از روش‌هایی استفاده می‌کنند که در نحوه‌ی آموزش علم، تحول ایجاد کرده‌اند. مثلاً در مورد یکی از جنگ‌های ناپلئون، بچه‌های کلاس را دو دسته کرده بودند و استراتژی جنگ آن دوره را به آن‌ها آموزش داده بودند. بعد از آن‌ها خواسته بودند، نقشه‌ی جنگی خودشان را روی صفحه پیاده کنند که مثلاً اگر این‌جا کوه بود و آن‌جا سپاه روس، شما چه می‌کردید.

● **دکتر صالحی:** الان در اینترنت، راجع به آموزش تاریخ، سایت‌های متعددی وجود دارد. حتی سایت‌های مربوط به دبیران تاریخ هست که عملاً روش‌های آموزشی گوناگون را توضیح می‌دهند. ولی ما هنوز نتوانسته‌ایم این موضوع را در مجلاتمان مطرح کنیم و به بحث بگذاریم.

○ مطمئناً کارهای زیادی می‌توان انجام داد تا جاذبه تاریخ بیش‌تر شود و دانشجویان با علاقه به این رشته بیایند. برای افزایش

من فکر می‌کنم، هر جا که تاریخ با زندگی روزمره ربط می‌یابد، جاذبه هم پیدا می‌کند

کاری‌شان می‌توان در سال آخر که می‌خواهند برای تدریس تاریخ بروند، تربیتی داد تا واحدهای اختصاصی آموزش نحوه تدریس تاریخ را بگذرانند.

● **دکتر عباسی:** در رشته‌های دبیری، دانشجویان بیست واحد معلمی را پشت سر می‌گذرانند.

● **جوادیان:** خانم دکتر اگر اجازه بدهید، من قصد دارم سؤالی مطرح کنم که محور بحث را عوض خواهد کرد. پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکترای شما درباره‌ی چه بود و استاد راهنمایان که بود؟ لطفاً توضیح دهید.

○ من اول به تاریخ سیاسی علاقه‌مند بودم، ولی بعد به تدریج به تاریخ اجتماعی بیش‌تر گرایش پیدا کردم. تز من درباره‌ی احزاب دوره‌ی مشروطه بود و استاد راهنمایم، مرحوم آقای دکتر الوول ساتن بود که عاشق ایران بود و ایران را بسیار دوست داشت. به همین علت

بله، بعضی از اسناد در دسرهای زیادی دارند، ولی من خوش شانس بوده‌ام، چون با دو نفر کار کرده‌ام که همیشه خیلی کم‌کم کرده‌اند: آقای سعدوندیان و آقای زمانی نیا که ویراستار بسیار دقیقی است. در حال حاضر هم، روی مکاتبات میرزا قهرمان، امیر لشکر که چندین بار پیشکار آذربایجان می‌شود و مدتی وزیر اوقاف و گمرکات دوره‌ی ناصرالدین شاه بوده، کار می‌کنم که متأسفانه تاریخ نامه‌ها اکثراً مشخص نیست. یعنی علاوه بر لغت‌هایی که خوانده نمی‌شوند، کرونولوژی آن هم مشخص نیست. من مدت‌هاست که روی این کار می‌کنم تا تقدم و تأخر آن‌ها را مشخص کنم، ولی تا الان سردر نیاورده‌ام. مقصود این که

**معلم‌ان تاریخ را باید وادار کنند که
علمشان را به روز کنند. معلم‌ان باید از این
همه مطالب جدید نوشته شده و تحقیق
شده مطلع باشند و برای دانش‌آموزان و یا
دانشجویان بگویند؛ والا تاریخ همان
حالت علم مرده را پیدا می‌کند**

مشکلات بسیار است.

از میان کتاب‌هایی که گردآوری و تدوین کرده‌ام، کتابی که بسیار مورد رضایت و استفاده‌ی خودم هم قرار گرفته، «خاطرات استاد حسین قلی‌خان نظام السلطنه»، اولین کتاب نشر تاریخ است که یک‌بار به صورت سه جلدی و بار دیگر به صورت دو جلدی، چاپ شده است. این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی است، زیرا هم خاطرات و هم نامه‌های خصوصی را در بردارد و شما می‌توانید بسنجید که چه قدر این آدم صادق بوده است. کتاب دیگری هم هست درباره‌ی زندگی برادرزاده‌اش، رضاقلی‌خان نظام السلطنه دو سه جلد که جلد اول آن زندگی سیاسی او و دو جلد دیگر، اسناد مهاجرت

در جنگ جهانی اول را شامل می‌شود. جلد دوم حاوی مکاتبات و مراسلات و جلد سوم حاوی صورت جلسات کابینه‌ی مهاجرت است. در این مجلدات، اطلاعات بسیار مفید و دست‌اولی از جریان مهاجرت ملیون در جنگ جهانی اول وجود دارد که در جای دیگری منعکس نیست. البته راجع به جریان مهاجرت در بایگانی وزارت امور خارجه نیز اسناد زیادی وجود دارد که هنوز روی آن‌ها کار نشده است.

● دکتر عباسی: درباره‌ی نقش زنان در تاریخ ایران چه نظری دارید؟ این بحث تا چه حد جنبه‌ی تاریخی و واقعی دارد و چه مقدار از آن جنبه‌ی تبلیغی دارد و تحت تأثیر مسائل روز مطرح می‌شود؟

○ راجع به نقش زن در تاریخ ایران شبهه وجود دارد و بستگی به دوره‌ی تاریخی دارد. تا قبل از دوره‌ی مشروطه، زنان نقشی در تاریخ ایران نداشته‌اند، البته در زندگی روزمره حضور داشته‌اند، زن‌هایی بوده‌اند که موسیقی می‌نواخته‌اند، دلال بوده‌اند، حمامی بوده‌اند، ماما و یا جادوگر بوده‌اند، مرده کفن می‌کرده‌اند، ملیله‌دوزی و پیشه‌دوزی می‌کرده‌اند و خلاصه کارهای ظریفی انجام می‌دادند. اما ردپایی از خودشان به جا نگذاشته‌اند. از یک طرف بی‌سواد بوده‌اند و از طرف دیگر، هیچ مردی هم راجع به زن و دخترش صحبت نمی‌کرده است. به طور کلی توجهی به زنان نکرده‌اند، چون کار زنان به نظر آن‌ها کار نبوده است. سیاست و کار اهمیت داشته که کار مردان بوده است. ولی از دوران مشروطه به دلیل شور انقلابی می‌بینیم که زنان فعال می‌شوند. یعنی در روزنامه‌ها مقاله می‌نویسند و یا ترجمه می‌کنند، مدرسه دایر می‌کنند و کم‌کم خواهان سهمی از بودجه‌ی دولت برای تحصیل می‌شوند. از دوره‌ی پهلوی، دختران به دانشگاه راه می‌یابند، به خارج اعزام می‌شوند و پا به عرصه‌ی کار می‌گذارند. در مورد نقش زنان از این دوره است که می‌توان صحبت کرد.

● دکتر عباسی: سوال دیگری که می‌خواهیم نظر شما را درباره‌ی آن بدانیم این است که آیا واقعاً همان‌طور که در کلاس‌های درس تاریخ ایران عصر قاجار گفته می‌شود، جامعه‌ی ایران در آن صد و سی‌چهل سال، یک جامعه‌ی رو به انحطاط بوده است که جز سباهی و تباهی و عقب‌ماندگی، چیزی در آن دیده نمی‌شد؟

○ گفتن این جمله که این دوره این‌طور بود و آن دوره آن‌طور، بسیار غیر علمی است. گفتیم که علم تاریخ در حال پیشرفت است و اطلاعات استادان و معلم‌ان ما باید به روز شود. الان حرف‌های جدید و منابع جدیدی عرضه می‌شوند که تاریخ‌نگاری و نتیجه‌گیری‌ها را تغییر داده‌اند. ۳-۴ سال پیش در لندن، راجع به هنر قاجار کنفرانسی تشکیل شد که بیانگر هنرهای ابتکاری جالب در آن دوره بود، در حالی که قبلاً فکر می‌کردند، در زمان قاجار هنری مطرح نبوده است. ایران در یک دوره‌ای از عصر قاجار درگیر جنگ با غولی مثل



روسیه می شود که پس از شکست، عباس میرزا، برای حفظ آذربایجان، به صلح تن می دهد. مطمئناً او نمی خواست که تفریس، باکو و ایروان را از دست بدهد، ولی وقتی دید تبریز در خطر است، مجبور به پذیرش صلح شد. من از خودم می پرسم، آیا عباس میرزا فهمید که اوضاع عوض شده و این امپریالیسم جدیدی است که به ایران هجوم آورده است و این جنگ مثلاً شبیه جنگ با ازبک ها نیست؟ این درست است که حکومت ایران قوی نبوده و بعضی از رجال فاسد بودند، ولی من فکر نمی کنم فسادشان بیش تر از هیچ وقت دیگری بوده است. اصولاً در آن دوره، ما با دنیایی مواجه بودیم که به سرعت عوض می شد و ایران هم داشت تغییر می کرد. این گونه نبود که در آن دوران هیچ کس آگاهی نداشت. خیلی ها می فهمیدند و در صدد تغییرات هم برآمدند؛ از جمله، کسانی که می خواستند، ناصرالدین شاه را عوض کنند. ولی نمی دانستند، از کجا و با چه ابزاری تغییر امکانپذیر است. همین امین لشکر که نام بردم، مدتی معزول شد، ولی ناصرالدین برایش می نویسد که من نوکری مثل تو کم دارم. دوباره به دربار بیا. اتفاقاً آقای دکتر امانت نکته ی بسیار خوبی در بیوگرافی ناصرالدین شاه مطرح می کند. می گوید، ناصرالدین شاه در سیاست داخلی ناموفق بود، ولی در سیاست خارجی موفق بود و توانست بین انگلیس و روسیه توازن برقرار کند و از این راه استقلال ایران را نجات داد.

پس ما نمی توانیم از انحطاط صحبت کنیم. انحطاط در مقایسه با کدام کشور؟ ما باید خودمان را در آن دوره با کشورهای نظیر ترکیه یا مصر که تحت الحمایه ی انگلیس بودند یا هند که مستعمره ی انگلیس بود، مقایسه کنیم. جامعه ی آن زمان ما جامعه ی نیمه ایلانی بود و امنیت نداشت. شیخ خزعل می خواست خوزستان را ببلعد، در فارس قشقایی ها به دنبال استقلال بودند، بختیاری ها زیر بار هیچ کس نمی رفتند، بیرجندی ها با انگلیسی ها در تماس بودند و مانند این ها.

● دکتر صالحی: خانم دکتر، پس مشروطه پاسخی به این بی نظمی ها بود، یعنی راه حلی برای این وضع آشفته.

○ اصولاً مشروطه هدف های متفاوتی داشت که اصل آن ملی گرایی و وطن خواهی بود. ناچار در بعضی مسائل با شکست مواجه شد و در بعضی موارد، راه حل هایی یافت؛ مثل تأسیس مجلس شورای ملی و وضع قانون اساسی، تشکیل وزارت عدلیه و سایر وزارتخانه های مدرن، تشکیل احزاب و شکل گیری مطبوعات، ایستادگی در مقابل استبداد و مبارزه با دولت های خارجی. منتها مشکلات فراوانی وجود داشت و نمی شود گفت که دوران مشروطه خالی از آشفتگی بود. حتی مدتی وضع بدتر شد.

● دکتر صالحی: خانم دکتر در مورد سؤال اول آقای دکتر عباسی

شما پاسخ دادید که به دوره ی قاجار هم از جنبه ی مثبت می شود نگاه کرد و به نکته ای اشاره کردید که ما همه ی منابع را درباره ی آن ندیده ایم. هرچه منابع بیش تر معرفی شود، نگاهمان نسبت به گذشته و حتی دوره ی قاجار، بیش تر عوض می شود. به نظرم با انتشار منابع جدید، از جمله اسناد، خاطرات و یادداشت های روزانه درباره ی تاریخ مشروطه، پرتوهای جدیدی به روی ما باز می شود. الان اگر همان کتاب «پیدایش و تحول احزاب سیاسی» را مجدداً



بر اساس منابع جدید بخوانید بنویسید، آیا با آنچه که بیست سال پیش نوشته اید، تفاوت نخواهد داشت؟

○ صدر صد تغییر می کند، موافقم. ببینید ما یک کتاب با عنوان «وقایع اتفاقیه در روزگار» چاپ کردیم. اعلامیه هایی که در این کتاب

۳-۴ سال پیش در لندن، راجع به هنر قاجار کنفرانسی تشکیل شد که بیانگر هنرهای ابتکاری جالب در آن دوره بود، در حالی که قبلاً فکر می کردند، در زمان قاجار هنری مطرح نبوده است

هست، یک بعد دیگر به قضیه می دهد. خانم منگول بیات، در کتابی تحت عنوان «Iran First Revolution» (اولین انقلاب ایران) که هنوز ترجمه نشده است، مسائلی را مطرح می کند که با توجه به آن ها من اگر حالا می خواستم کتاب احزاب را بنویسم، راجع به همان احزاب

چیزهای دیگری می‌نوشتیم. کاملاً حق دارید. مورخ باید آخرین تحقیقاتی را که صورت گرفته است، ببیند. حالا ممکن است آن مطالب را نفی کند، و بر حرف و نظر خودش استوار بماند، اما به بعد دیگری از مسائل برسد. در این مورد من روزنامه‌ها را مطالعه کرده بودم، ولی اعلامیه‌ها را ندیده بودم.

در وزارت خارجه اسنادی هست که مطالب مهمی را به اطلاعات موجود می‌افزاید. مثلاً وقتی که عبدالحسین فرمانفرما در جنگ جهانی اول، حاکم فارس می‌شود، پلیس جنوب، پلیسی که انگلیسی‌ها تشکیل داده‌اند، فعال است و او سیاستش، سیاست همکاری با انگلیسی‌هاست و مخالف نیست. خودش هم در نامه‌ای خصوصی به پسرش می‌گوید، من فکر می‌کنم راه نجات ما همکاری با انگلیسی‌هاست: نه ترک‌ها. ترک‌ها خاک و ناموس ما را می‌خواهند. به هر حال سیاستش را توجیه می‌کند و با پلیس جنوب همکاری می‌کند.

آقای دنیس رایت، سفیر سابق انگلیسی، با استفاده از اسناد بایگانی انگلستان این موضوع را مطرح می‌کند که انگلیسی‌ها برای آرامش فارس به حکومت فرمانفرما علاقه‌مند بودند. آن‌ها با دولت ایران که نمی‌توانست در شرایط جنگ مالیات جمع‌آوری کند، قرار می‌گذارند که سالیانه مبلغی به دولت ایران پردازند. دنیس رایت براساس گزارش وزیرمختار انگلیسی، لیتینگ، می‌افزاید که فرمانفرما قزاق می‌گذارد، مبلغی از این پول را مستقیم به او پردازد. در این مورد، ما فقط قول لیتینگ را داریم. از کجا معلوم راست گفته باشد. شاید پیشنهاد پرداخت پول به فرمانفرما توسط او صورت گرفته است. منظورم این است که اگر اسناد را با هم مقابله و مقایسه کنیم، شاید به نتایج دیگری برسیم. به خاطر همین هم می‌شود گفت، تاریخ را نباید بازنگری کرد و دوباره نوشت؛ مخصوصاً تاریخ ایران را که ما اصلاً اسندهای خودمان را ندیده‌ایم.

● دکتر صالحی: به ویژه همین خاطرات ده جلدی عین السلطنه. اگر کسی بخواهد تاریخ دوره‌ی قاجار تا اواخر دوره‌ی رضاخان را بنویسد و این کتاب را نخواند، واقعاً موفق نمی‌شود. من دوبار این خاطرات را برای رساله‌ام خواندم. به قدری اطلاعات بکر و دست اول دارد که فوق‌العاده است. یکی این کتاب و دیگری هم خاطرات سید محمد کمره‌ای که در دو جلد چاپ شده است. او خودش هم «لیدر دموکرات‌های ضدتشیکیلی» است و هم مجتهد. آدم بسیار باسواد و توانمندی هم هست و با تمام رجال مطرح تهران ارتباط دارد. روزانه می‌نویسد که در این مملکت چه می‌گذرد، مسائل سیاست خارجی را منعکس می‌کند، و دیدگاه‌های رجال را بیان می‌دارد. وقتی این مطالب خوانده می‌شود، تصور فرد از امثال وثوق‌الدوله چیز دیگری می‌شود. منظورم این است که اگر این منابع منتشر نشده که فوق‌العاده زیاد

هم هستند، منتشر شوند، نگاه ایران به تاریخ مشروطه کلاً دگرگون می‌شود.

○ صددرصد این طور است. به هر حال اطلاعات جدید ابعاد دیگری را به شما نشان می‌دهد. مثلاً همین عین السلطنه راجع به محمدعلی شاه می‌گوید، زن‌ها خیلی مستبدند، برای این که خیلی از محمدعلی شاه خوششان می‌آید. در همین جا می‌بینیم که همه ضد شاه نبودند. اسناد جدید ممکن است دید ما را عوض کنند. ببینید، براون یا کسروی یا ملک‌زاده که تقریباً با وقایع مشروطه معاصرند، اصلاً متوجه احزابی که دارند شکل می‌گیرند، نیستند. برای این که این‌ها، هم کم، هم کوچک و هم مخفی هستند و سعی می‌کنند که مخالفت‌های خود را آشکار نگویند. بعدهاست که اسناد در می‌آیند و ما به فعالیت گسترده‌ی احزاب و دسته‌بندی‌ها پی می‌بریم.

● دکتر صالحی: نشر تاریخ الان چه کارهایی را در دست چاپ دارد که از نظر خودتان مهم هستند؟

○ کتابی در دست انتشار داریم که توسط خانم دکتر سهیلا ترابی راجع به نقش تجار در دوره‌ی مشروطه نوشته شده است. امیدوارم اتحادیه‌ی ناشرین کاغذ ما را زودتر بدهند تا چاپ شود. این کتاب، تز دکترای مؤلف است که بیش‌تر از استاد مرحوم مهدوی استفاده کرده است و راجع به تجار و فعالیت‌های آن‌ها مطالب مفید و مهمی دارد. کتاب دیگر، اسناد امین لشکر است که در حال کاربیر روی آن هستیم که اشاره کردم. این کتاب، هم حاوی اطلاعات مفیدی راجع به آذربایجان است و هم به دسته‌بندی‌های دربار و اتفاقاتی که بین رجال می‌افتاده و چگونگی واکنش آن‌ها پرداخته است.

● دکتر صالحی: غیر از این‌ها آیا کار جدیدی نیز ترجمه کرده‌اید که در آینده چاپ شود؟

○ اتفاقاً من و خانم سماوی در دست ترجمه داریم که تا پایان آن خیلی مانده است. کتاب اثر ابوت است. ابوت، کنسول انگلیس در ایران بود و حدود ۳۰ سال در دوره‌ی ناصری در ایران اقامت داشت. در تمام ایران سیاحت کرده است و اطلاعات اقتصادی خیلی ریز و مهمی دارد که ترجمه‌ی آن کار خیلی سختی است و طول می‌کشد؛ چون زبانش قدیمی است. این کتاب را آقای عباس امانت با مقدمه‌ی خوبی چند سال پیش منتشر کرده است.

● دکتر صالحی: این کتاب منبع دست‌اولی است از دوره‌ی ناصری و همان‌طور که فرمودید، حاوی اطلاعات ارزشمندی است. امید داریم که هرچه زودتر ترجمه‌ی آن به سرانجام برسد و انتشار یابد.

● جوادیان: خانم دکتر از این که در این گفت‌وگو شرکت کردید، سپاسگزاریم.